

### ابوالقاسم حبيب اللهی «نوید»

### مضامین مشترك در عربی و فارسی

كل حلام اتی بغير اقتدار      حجة لاجی اليها اللئام  
متنبی - دیوان

ابو فراس در همین معنی :

عفانك عجز انما عفة الفتى      اذا عف عن لذاته وهو قادر  
نقل از زهر الآداب

سعدی (گلستان) :

چه سود از دزدی آنکه توبه کردن      که نتوانی کمندانداخت بر کاخ  
بلند از میوه گو کوتاه کن دست      که کوتاه خود ندارد دست برشاخ

ابوالفتح بستى (نقل از یتیمه الدهر) :

لا يستحفن الفتى بعدوه      ابدأ وان كان العدو ضئيلاً  
ان القذى يوذى العيون قليله      و لربما جرح البعوض الفيلاً

سعدی (گلستان) :

دانی که چه گفت زال بارستم گرد      دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد

و نیز سعدی در معنی بیت دوم (گلستان) :

پشه چوپر شد بزند پیل را      با همه سختی و صلابت که اوست  
مورچکان را چو بود اتفاق      شیر ژبان را بدرانند پوست

مقصود ابوالفتح بستی و سعدی در این دوبیت متفاوت است و فقط در تمثیل باهم شباهت دارند زیرا ابوالفتح می گوید دشمن را نباید حقیر شمرد هر چند ضعیف باشد چنانکه پشه با همه حقارت گاهی پیل بان عظمت را مجروح می سازد ولی مقصود شیخ بیان کردن محاسن اتفاق و اتحاد است و می گوید وقتی پشگان زیاد شدند می توانند پیل را مجروح سازند.

ابن الرومی (المستطرف) :

دهر علا قدر الوضیع به واری الشریف بحیطة شرفه

کالبحر یرسب فیه لولوه سفلا و یعلو فوقه جیفه

شمس المعالی قابوس درهمین معنی (بتیمه الدهر) :

قل للذی بصروف الدهر عیرنا هل عاند الدهر الامن له خطر

اما تری البحر یعلو فوقه جیف و یستقر باقصی قعره الدرر

رشید وطواط (مجمع الفصحاح) :

دانی شها که دور فلک در هزار سال چون من یگانه ای ننماید بصد هنر

گرزیر دست هر کس و ناکس نشانیم مع علو اینجا دقیقه ایست بدانم من اینقدر

بحراست مجلس تو و در بحر بی خلاف لؤو بزیر باشد و خاشاک بر زبر

ابوالعتاهیه :

علیک باقلال الزیارة انها اذا کثرت کانت الی الهجر مسلکا

سعدی (گلستان) :

بدیدار مردم شدن عیب نیست ولیکن نه چندان که گویند بس

۱- از امراء معروف آل زیاد و فضلاء مشهور زمان خود بوده است، مجموع رسائل او را

یزدادی در کتابی گرد آورده و نام آن را کمال البلاقه نهاده و آن کتاب در مصر بطبع رسیده است.

وی سال ۴۰۳ بدست سرداران سپاه خود مقتول شد.

اصول این معنی در حدیث نبوی آمده: زوغباً تزود حجاباً. و به نقل از المستطرف: و نظامی از این بیت مشاء شهابی به این معنی  
 لولا جریر و الفرزدق لم یکن ذکر جمیل من بنی مروان  
 و ملوک غسان تفانوا غیر ما قد قاله حسان فی غسان  
 شریف مجلدی گرگانی (نقل از لباب الالباب):  
 ازان چندان نعیم جاودانی که ماند از آل ساسان و آل سامان  
 ثنای رود کی مانده است و مدحت نوای باربد مانده است و داستان  
 نیز در همین معنی رشید و طواط (مجمع الفصحاء):

از عنصری پماند و امثال عنصری تا روز حشر سیرت محمود دادگر  
 گر شعر بوالمعالی حاصل نداشتی کی دادی از معالی او بعد از او خبر  
 دعبل خزاعی (طبقات الشعراء)  
 يموت روی الشعر من دون اهله و جیده یبقی وان مات قائله

کریمی سمرقندی (لباب الالباب):  
 تفکر از پی معنی همی چنان باید که از مسام دل و دیده جوی خون زاید  
 شتاب نیک نباشد درنگ به درنظم که هر چه زود بگویند دیر کی باید  
 ابن منذر:

لا نقل شعراً ولا تهتم به واذا ما قلت شعراً فاجد  
 نظامی:

کم گوی و گزیده گوی چون دو تا زانک تو جهان شود پر  
 منصور فقیه<sup>۲</sup> (المحاسن والاضداد):

۲- منصور بن اسماعیل مصری از فقهای شافعیه و در فقه دارای تألیفات است، شعر را نیکومی گفته است و نابینا بوده، وفاتش ۳۰۶، رجوع شود به و فیات الامیان ج ۲، ص ۲۰۰.

